



The Mourning Palm of Fars; An allegory of mourning for Imam Hossein (pbuh) (Case study: Jahrom city)

Fathemeh Taslim Jahromi¹

1. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Jahrom University, Jahrom, Iran; E-mail: taslim@jahromu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2023-07-19

Received in revised form:
2023-09-16

Accepted: 2023-09-23

Published online: 2023-11-11

Keywords:Fars, Legends, Mourning
Palm, Mourning Palm, Imam
Hossein (pbuh), Muharram

ABSTRACT

Purpose- The purpose of this article is to prove that the palm as a sacrificial Lord symbol has been used in real and symbolic ways in the mourning rituals of Imam Hussein (pbuh) in the palm-growing areas of Fars, especially in Jahrom city.

Methodology- The method of conducting this research is descriptive-analytical and field observations.

Findings- According to the findings, mourning rituals are one of the oldest rituals in human history. A look at the origin of these customs shows that the public and famous mourning rituals have originated and continued from the origin of birth and resurrection myths. In mythology, a God of plants is sacrificed so that its blood is a guarantee of life and a blessing, and the result of this God sacrifice or self-sacrifice is, in a way, a repetition of the act of cosmology and the creation and evolution of the worlds. Iranians have touched the spirit of Ashura event and these visions have re-created old patterns in their historical mind to see this event as an eternal and eternal event in addition to an incident in history. In Iranian culture, the figure of the palm tree is likened to the human figure, and on the other hand, it is a symbol of the Mesopotamian Martyr God, Dumuzi. The blood of Imam Hossein (pbh), like Siavash and other heroes who were killed in a cowardly and oppressive manner, blesses other uprisings, therefore, in the minds and rituals of Iran, the palm tree, which is a symbol of divine sacrifice and is used in mythological mourning, is also a symbol of Imam Hossein's martyrdom, becomes a victim. The sample studied in this research is Jahrom city, one of the ancient and palm-growing cities of Fars and southern Iran, whose date quality is also defined in ancient written sources. So much so that the tourists in the Safavid period called this city the palm forest and talked a lot about the quality of the palm trees, its shape and dates. However, in the research conducted about the palm, the mythological roots and traditions related to this tree in Fars or Jahrom are not mentioned.

Conclusions- Based on the obtained results, the mourning palm is both an allegory of Imam Hussein (pbuh) and a symbol of a sacred object, that is, the coffin of the martyrs, in Muharram mourning rituals in Fars. This ceremony, like many religious mourning ceremonies, is both a kind of declaration of mourning and mourning following the martyrdom of Imam Hussein (pbuh) and companionship and support, as well as a kind of eternal recognition of Imam Hussein (pbuh) and his resurrection. Ways such as: Mourning palm, coffin and kettle, etc. are symbolic forms of the Muharram mourning ritual in Jahrom, in all of which there has been a palm from the past until now. In some cases, these traditions are consistent with the traditions of other regions of southern Persia, such as Lar, Lamard, Khavaran, etc., which grow palm trees. Palm products such as dates, halwa, sweet breads, etc. are used symbolically in the mourning ceremony of Imam Hussein (pbuh) in Fars and Jahrom for the happiness of the souls of the departed, which are also rooted in mythology.

Cite this article: Taslim Jahromi, F. (2023). The Mourning Palm of Fars; An allegory of mourning for Imam Hossein (pbuh) Case study: Jahrom city. *Iranian Journal of Anthropological Research*, 13(24), 145-162.
doi: <http://10.22059/ijar.2023.362579.459830>.



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://10.22059/ijar.2023.362579.459830>

نخل ماتم فارس؛ تمثیلی از سوگواری بر امام حسین(ع) (نمونه مطالعه: شهرستان جهرم)

فاطمه تسلیم جهرمی^۱

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه جهرم، جهرم، ایران؛ رایانامه: taslim@jahromu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هدف: هدف از انجام این مقاله اثبات این موضوع است که نخل به عنوان نماد ایزدی قربانی‌شونده در مناطق نخل‌خیز فارس به‌ویژه در شهرستان جهرم، در آیین‌های سوگواری امام حسین(ع) به صورت حقیقی و نمادین کاربرد داشته است. روش تحقیق: روش انجام این تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی و مشاهدات میدانی است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸	یافته‌ها: بر اساس یافته‌ها، آیین‌های سوگواری از آیین‌های بسیار کهن تاریخ بشر است. نگاهی خاستگاه این رسوم نشان می‌دهد آیین‌های سوگواری عمومی و مشهور، از منشاء اسطوره‌های زایش و رستاخیز مایه گرفته و ادامه یافته‌اند. در اساطیر، ایزدی نباتی قربانی می‌شود تا خونس ضامن حیات و برکت‌بخش باشد که حاصل این قربانی یا خودنثاری ایزدی، به نوعی تکرار عمل کیهان‌آفرینی و پیدایش و تکوین جهان‌هاست. ایرانیان روح واقعه عاشورا را لمس کرده‌اند و این دیده‌ها، الگوهایی کهن را در ذهن تاریخی ایشان بازآفرینی کرده است تا این واقعه را علاوه بر حادثه‌ای در پهنه تاریخ، رخدادی ازلی و ابدی بینگارند. در فرهنگ ایرانی، پیکره نخل به پیکره انسان تشبیه شده و از سویی نیز نمادی از ایزد شهید بین‌النهرین، یعنی دوموزی است. خون امام حسین(ع) بسان سیاوش و سایر قهرمانان که ناجوانمردانه و مظلومانه کشته شده‌اند، برکت‌بخش سایر قیام‌هاست، بنابراین در اذهان و آیین‌های ایرانی، درخت نخل که نماد ایزدی گیاهی قربانی‌شونده است و در عزاداری‌های اساطیری به کار می‌رفته، نماد شهادت امام حسین(ع) نیز قرار می‌گیرد و قربانی می‌شود. نمونه مورد مطالعه این تحقیق، شهرستان جهرم، از شهرهای کهن و نخل‌خیز فارس و جنوب ایران است که در منابع مکتوب کهن نیز از کیفیت خرمای آن تعریف شده است. تا بدانجا که سیاحان در دوره صفوی، این شهر را جنگل نخل نامیده و از کیفیت درختان نخل، شکل و خرمای آن بسیار سخن گفته‌اند. با این حال در تحقیقاتی که درباره نخل انجام شده، به ریشه‌های اسطوره‌ای و سنن مرتبط با این درخت در فارس یا جهرم اشاره نشده است.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۶/۲۵	نتیجه گیری: بر اساس نتایج به دست آمده، نخل ماتم هم تمثیلی از امام حسین(ع) و هم نماد شیئی مقدس، یعنی تابوت شهدا، در آیین‌های سوگواری محرم در فارس است. این مراسم نیز، مانند بسیاری از عزاداری‌های آیینی، هم نوعی اعلام سوگواری و ماتم در پی به شهادت رسیدن امام حسین(ع) و همراهی و حمایت و هم نوعی ابدی‌دانستن امام حسین(ع) و قیامش است. شیوه‌هایی چون: نخل ماتم، تابوت و کتل و... از اشکال نمادین آیین عزاداری محرم در جهرم است که در تمام آن‌ها از گذشته تا کنون نخل وجود داشته است. این سنت‌ها با سایر سنن مناطق جنوب فارس مانند لار، لامرد، خاوران و... که نخل‌خیزند نیز در برخی موارد تطابق دارد. محصولات حاصل از نخل چون خرما، حلوا، نان‌های شیرین و... نیز در مراسم عزاداری امام حسین(ع) در فارس و جهرم نیز استفاده می‌شوند که آن‌ها نیز به صورت نمادین ریشه در اساطیر دارند.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰	
کلیدواژه‌ها: اساطیر، امام حسین(ع)، محرم، نخل، نخل ماتم.	

استناد: تسلیم جهرمی، فاطمه. (۱۴۰۲). نخل ماتم فارس؛ تمثیلی از سوگواری بر امام حسین(ع) نمونه مطالعه: شهرستان جهرم. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران

Doi: <http://10.22059/ijar.2023.362579.459830>، ۱۴۵-۱۶۲، (۲۴)۱۳



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <http://10.22059/ijar.2023.362579.459830>

مقدمه

اسطوره، مرحله پیش از تاریخ است. «اسطوره زنده در جوامع سنتی، داستانی قدسی و مینوی است که کارهای نمایان خدایان یا موجودات فوق طبیعی یا نیاکان فرهنگ‌آفرین را که در ازل روی داده، حکایت می‌کند و بنابراین روایت پیدایش جهان و جانوران و گیاهان و نوع بشر و نهادها و آداب و رسوم و علل خلق آن‌ها و کلاً شرح آفرینش کون و کائنات است و به بیانی دیگر اسطوره، روشنگر معنای زندگی است و به این اعتبار، الگو و نمونه نوعی و اسوه و عین ثابت هر رفتار و کردار معنی‌دار آدمی است که باید همواره تجدید و تکرار شود تا اعمال انسانی معنی بیابند» (ستاری، ۱۳۷۶: ۶). این معنا را آشکارا در تاریخ ادیان و از جمله اسلام نیز می‌توان یافت. قیام امام حسین (ع)، تجلی آن بخش از مذهب تشیع و دین اسلام است که به مسلمان می‌آموزد که در برابر اجتماع خویش و آنچه در آن می‌گذرد، بی‌تفاوت نباشد. در برابر ظلم و ستم برخیزد و کزروی را ببیند و در مقابل آن خاموش ننشیند، از این روست کارکردی حماسی و اساطیری می‌یابد و الگوی تمام آزادی‌خواهان شمرده می‌شود و افکار و اعمال پیشوا نیز پیوسته بازآفرینی می‌شود.

به نظر می‌رسد از آنجا که ویژگی‌های شخصیتی امام حسین (ع) و نحوه زندگی و شهادت وی با الگوهای ازلی و سیر زندگی قهرمانان و ایزدان اسطوره‌ای تطبیق‌پذیر بوده است، در فرهنگ محلی و البته اسطوره‌ای ایران مجدد با زندگی ایزدان بازآفرینی شده است. یکی از نمادهای ایزدان در اساطیر درختان هستند. درخت در اساطیر و تاریخ ادیان «توانسته است بیانگر همه مقدسات انسان و همه ویژگی‌های خدایان، پهلوانان و نیمه خدایان باشد» (صدقه، ۱۳۷۸: ۱۴۱). نخل نیز به دلیل سبزی همیشگی، دیرینه سالی، ثمر و... نمود یکی از ایزدان است و در اساطیر، فرهنگ، ادبیات و ادیان، مقدس شمرده شده است.

به باور مردمان کهن، برخی الهه‌ها و ایزدان، منشأ نباتی داشتند یا از درخت مقدسی زاده می‌شدند. همچنین به این دلیل که درخت را مظهر ایزد نباتی می‌انگاشتند، آن را گرمی می‌داشتند. تجسد ایزدان گیاهی در قصه‌ها، اساطیر و حماسه‌ها بیشتر به صورت شاه، شاهزاده یا افراد نژاده است. نخل، نماد ایزدی نباتی است که از خصلت گیاهی خویش در اساطیر به هیئت شاه و در باورهای عامیانه به هیئت انسان بدل شده است و سرانجام به همان نهاد اولیه خویش بازمی‌گردد (رک: رستگار فسایی، ۱۳۸۳: ۱۴۳-۱۶۰). در اساطیر و باورهای عامیانه مردم جنوب، نخل از چند وجه مثل: داشتن اندام و هیئت و حیاتی چون انسان، نر و مادگی، داشتن مغز یا مخ، نوع باروری، راستی قامت و... مانند انسان دانسته شده است (تسلیم چهارمی، ۱۳۹۹: ۱۷-۱۸). در متون کهن فارسی نیز گاهی به روایاتی درباره نخل برمی‌خوریم که این باور را تقویت کرده‌اند و این درخت را شبیه‌ترین درخت به آدمی معرفی می‌کنند. ابن سینا می‌گوید حد فاصل نبات با حیوان درخت نخل است که از چند وجه شبیه آدمی است (ابن سینا، ۱۳۸۳: ۲۶-۳۰). نزهت‌نامه علایی در قرن پنجم، تشابهات نخل و آدمی را برمی‌شمارد و می‌نویسد از طلع نخل، بوی منی می‌آید و غلاف خرما مانند مشیمه و رحم است که بچه آدم در آن قرار می‌گیرد و همچنان که بچه از میان آدمی درآید، بچه نخل نیز از میان درخت بیرون می‌آید و خارکی بر سر دارد. همچنین سر نخل در حکم مغز آن است و اگر سر آن را ببرند درخت کشته می‌شود و از آن بعد هیچ باری نمی‌آورد. همچنین هر شاخه یا بخشی از نخل را ببرند مثل انسان، جای آن عضوی شبیهش بیرون نمی‌آید. بر تن نخل هم مثل انسان که مو دارد، لیف است و برگ‌های آن در حکم موی سر است و... (رک: ابن‌ابی‌الخیر: ۱۳۶۲: ۲۱۳).

درخت خرما از آغاز تمدن بشری در مناطق نخل‌خیز اهمیت ویژه داشته و در سنن، آداب و رسوم، آیین‌ها، ادبیات شفاهی، اعتقادات و باورهای مردم جنوب ایران نیز وارد شده و در جایگاه درخت زندگی، برخی بن‌مایه‌های اساطیری درباره آن در باورها و آیین‌های فلوکلوریک وارد شده است. از جمله این بن‌مایه‌های اساطیری به: تقدس درخت خرما، نخل‌تباری انسان، باور به آفرینش نخل از نخاله انسان، باورهای اساطیری مرتبط با باروری؛ مثل قهرکردن و عروس‌کردن نخل، تهدید نمایشی نخل، نخل دیوانه و همچنین تابوت نخل، نخل‌گردانی و نخل مومین می‌توان اشاره کرد (تسلیم چهارمی، ۱۴۰۱).

در جوامع ابتدایی، قربانی کردن یک درخت خاص نیز وجود داشت که «با برکت‌بخشی خدای نباتی مربوط بود» (الیاده، ۱۳۷۲: ۳۰۴). آریایی‌ها اقوامی بودند که زندگی آنان پس از یکجانشینی با کشاورزی و مجموعه‌ای کامل از کاشت، داشت و برداشت و فرآوری گیاه مرتبط بود و همان‌گونه که افزایش زندگی خویش را از گیاهان می‌دانستند، در باورهای اساطیری خویش، قربانی شدن ایزدان گیاهی را نیز یاری‌رسان افزایش گیاهان می‌دیدند. این درختان و گیاهان، مقدس و توت‌م قومی بودند، اما در وقتی خاص آن را قربانی می‌کردند. الیاده دربارهٔ برکت‌بخشی خون قهرمانان می‌نویسد: «پیدایش گیاهان و نباتات در پی خودنثاری و نیز مضمون افسانه‌آمیز پیدایی گیاهان به برکت خون یا پیکر خدایی یا قهرمانی است که ناجوانمردانه کشته شده است» (الیاده، ۱۳۷۶: ۲۸۷). وجود درختان کهنسال در دربار شاهان باستانی و قربانی شدن کاهن محافظ آن نیز، بازگوکنندهٔ آیینی است که بر مبنای آن فرمانروایی و کهنات، به معنای حفظ سرسبزی و برکت، وظیفهٔ اصلی شاه‌کاهن آن بود که چون مظهر زمینی، نیروهای آسمانی نعمت غنا را در سرزمین خود حفظ کند (رک: بهار، ۱۳۹۰: ۴۶).

نخل، نماد ایزد دومی یا تموز از خدایان شهیدشونده و رستاخیزکننده در بین‌النهرین بود (رک: بلک، ۱۳۸۳: ۲۱۲-۲۱۹). بر اساس اسطوره، ایشتر، رب‌النوع خوشه‌های خرما و همسر دومی، روزی به زیرزمین می‌رود تا ببیند در نبود وی بر روی زمین چه اتفاقاتی می‌افتد. به دنبال رفتن وی، باروری زمین متوقف می‌شود، درختی سبز نمی‌شود و گیاهی نمی‌روید و زمستان می‌شود. از این رو، دومی قربانی می‌شود و به جای ایشتر به زیر زمین فرستاده می‌شود تا همسرش به روی زمین بازگردد و فصل بهار برگردد (به نقل از: ژیزان و دیگران، ۱۳۸۲: ۷۸). می‌بینیم که در این اسطوره هم نخل در هیئت انسانی است و با برکت‌بخشی ایزدان نیز همراه است. فریزر اسطوره‌های این چینی را عصارهٔ تقریباً تمام اساطیر عالم و مرتبط با آیین‌های زایش و باروری و مرگ و رستاخیز می‌داند (فریزر، ۱۳۸۶: ۷).

کهن‌الگوی درخت-مرد، درخت-ایزد و درخت-شاه را در اسطورهٔ سیاوش و بازسازی واقعهٔ کربلا و رسوم مرتبط با آن نیز می‌توان دید. به عقیدهٔ بهار، شخصیت سیاوش در روایات متعلق به او در زمان‌های بسیار دور (حداقل هزارهٔ سوم قبل از میلاد)، متعلق به دومی بوده است که باید قربانی شده به زیرزمین و دنیای مردگان رفته و پس از عزاداری‌های عمومی و گریستن جادویی به سوی مردم بازگردد (بهار، ۱۳۷۸: ۴۲۳-۴۳۰؛ بهار، ۱۳۷۷: ۱۶۹-۱۷۱). نکتهٔ مهم دیگری که دربارهٔ سوگ سیاوش وجود دارد، ارتباط آن با نخل و نخل‌گردانی است. یافته‌های باستان‌شناسی در دیوارنگاره‌های کاخی در پنج‌کنت در آسیای مرکزی، مراسم سوگ سیاوش یا سیاوشان را نشان می‌دهد که سوگواران تابوت یا اتاقی چادرمانند را که پیکر سیاوش و سه تن از عزاداران در آن است، بر دوش می‌کشند. اتاق پنجره‌هایی دارد که پیکر سیاوش و عزاداران از آن‌ها پیداست. شکل شبکه‌دار نخل و وجود پنجره‌های کوچک فراوان در آن، یادآور همان اتاق چادرمانند است که آدمیان و ایزدان به سوگواری او مشغولند. حمل تابوت در این تصویر مشابه حضور تابوت و کجاوه در دسته‌های عزاداری امروزی است (حصوری، ۱۳۸۴: ۱۰۵-۱۰۶).

«گردش روح شهیدان بزرگ تاریخ، که سالار شهیدان، امام حسین (ع) بر تارک آنان می‌درخشد، نشانهٔ تداوم تاریخی شهادت در هر دورهٔ تاریخی است، چنانکه گویی زمین هیچ‌گاه از شهید خالی نیست. در ایران، سیاوش، که اسطوره‌ای بود، جای خود را به شهید کربلا، که وجود تاریخی داشت و گذاشت و بدین گونه تعزیه، جای سوگ سیاوش را گرفت» (مسکوب، ۱۳۵۴: ۹۳).

جستار حاضر از منظر اسطوره و مردم‌شناسی، به تبیین و تحلیل یکی از الگوها و مضامین جهان اساطیر، یعنی کهن‌الگوی خدای شهیدشونده، می‌پردازد و سعی می‌کند به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱- شهادت امام حسین (ع) در قالب اساطیر و آیین‌های مردم فارس و جهرم به چه صورت بازآفرینی شده است؟

- ۲- نمایش نخل ماتم در آیین‌های عزاداری مردم چهرم و جنوب فارس چگونه است؟
۳- چگونه در تفکر اسطوره‌های ایرانی، شخصیتی زمینی به موجودی آسمانی و مثالی تبدیل می‌شود؟
۴- آیا نخل ماتم با اساطیر در ارتباط بوده است؟

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی درباره آیین نخل‌گردانی به عنوان یکی از رسوم عزاداری متعلق به مناطق مختلف کشور نوشته شده است، اما تاکنون هیچ تحقیقی در خصوص نخل ماتم فارس و چهرم و نقش نمادین آن در عزاداری‌های این منطقه و شهر نوشته نشده است. معروف‌ترین تحلیل از جنبه آیینی اسطوره سیاوش، نظریه مهرداد بهار است که در تکمیل اشاراتی که اول بار از جانب برخی دانشمندان روس ارائه شده بود، آیین‌های سوگ سیاوش را مربوط به فرهنگ عصر کشاورزی و آیین‌های ستایش خدایان باروری دانست (بهار، ۱۳۷۶).

از جمله تحقیقات انجام شده درباره آیین‌های نخل به کتاب *نخل‌گردانی؛ تمثیل حیات جاویدان شهیدان* (۱۳۸۰) از علی بلوکباشی می‌توان اشاره کرد که به تابوت‌گردانی و به طور خاص شکلی از تابوت مانند نخل و پیشینه تابوت‌گردانی در قبل و بعد از اسلامی اشاره کرده و گفته این آیین برای مردم ایران به عنوان بخشی از اعمال دینی و عامل پیوند با اولیای ملی و پیشوایان مذهبی است. قانیدی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «از ریپه‌وین تا سیاوش؛ تحلیل اسطوره‌شناختی ساختار آیینی داستان سیاوش بر مبنای الگوی هبوط ایزد ریپه‌وین و آیین‌های سالانه مرگ و تولد دوباره در فرهنگ ایران» به این موضوع پرداخته است که این روایات، الگویی جهانی دارد که در ادبیات حماسی فارسی با داستان سیاوش و سودابه و در پیشینه اساطیری این داستان با اسطوره هبوط ایزد ریپه‌وین به زیر زمین (همراه با زمستان) و نقش او در حفظ زیایی زمین و گرمای آب‌ها و خروج او (همراه با بهار و بازگشت خرمی به طبیعت) مرتبط است.

وسترمارک (۱۳۹۶) در کتاب *بازمانده‌هایی از فرهنگ دوران جاهلی در تمدن اسلامی*، با نگرشی جامعه‌شناسانه و انسان‌شناسانه، همسانی‌ها و آمیختگی‌های فرهنگ عرفی مسلمانان را در برخی عرصه‌های رفتاری، اعتقادی و مناسکی با پاره‌ای از عناصر بازمانده از فرهنگ اقوام و قبایل روزگاران پیش از اسلام به دست داده است.

کریم‌نیا (۱۳۸۴) در کتابی با عنوان *نخل در فرهنگ ایرانی*، به ردپای نخل در آیین‌ها و باورها و تمام جنبه‌های زندگی مردم و مناسبات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی اقوام و مناطق سرزمین‌های جنوبی و حوزه‌ی کویر ایران، بدون اشاره به چهرم، پرداخته است. سعادت (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «رابطه تابوت‌واره نخل با درخت خرما» از منظر تاریخی و جامعه‌شناسی به تاریخچه نخل‌گردانی و ارتباط آن با درخت خرما پرداخته و نمونه‌هایی از آن را بدون اشاره به سرزمین فارس، به دست داده است.

مسکوب نیز در پژوهشی با عنوان *سوگ سیاوش* (۱۳۵۴) ضمن بررسی مفهوم شهادت در طول تاریخ و بررسی شهادت امام حسین (ع) در تاریخ با مرگ سیاوش در اساطیر، به این نتیجه می‌رسد که در هنر ایرانی بازنمایی الگو و نمونه‌ای ازلی، یعنی مرگ و شهادت و تکرار آیین‌ها و مراسم همراه آن در روزگاری تاریخی میان سوگ سیاوش و عزاداری امام حسین (ع) مشترک است. حصوری (۱۳۸۴) در کتاب *سیاوش‌سان*، اسنادی از آسیای مرکزی را تحلیل کرده که بر مبنای آن، سیاوش از یک باور توتمی تا ایزد کشت تحول یافته و آن‌گاه در باورهای دیگر ایرانیان به ویژه انواع سوگ آیین‌ها مثل تعزیه، چمر و نخل‌گردانی اثر گذاشته است.

تسلیم جهرمی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل اساطیر آفرینش و باروری در باورهای و رسوم عامیانه جنوب ایران درباره نخل» ضمن اشاره به کارکردهایی چون: تقدس این درخت در فرهنگ جنوب ایران، به این نتیجه می‌رسد که آیین‌هایی چون عروس کردن، تهدید نمایی و قربانی نخل و... ریشه در اسطوره‌های زایش و باروری دارند.

جای تعجب است که با وجود نخل خیز بودن فارس و شهرستان جهرم و شهرت خرمای آن از دوران قدیم، آداب و رسوم، باورها و واژگان خاص نخل در این شهر، نامی از این شهر در پژوهش‌های مربوط به سنن سوگواری و آیین‌های نخل‌گردانی حتی در جنوب کشور نیست. با توجه به ضرورت این امر، این پژوهش جایگاه این درخت را در آیین‌های عزاداری جهرم و تا حدودی جنوب کشور نشان داده است.

روش شناسی

این پژوهش به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی با توجه به رابطه و پیوند انسان و گیاه و کهن‌الگوی ایزد نباتی و چگونگی بازآفرینی و سریان این بینش اساطیری در فرهنگ محلی امروز و با تکیه بر آیین‌های سوگواری محرم و صفر در فارس با تکیه بر شهرستان جهرم می‌پردازد و نشان می‌دهد که نخل علاوه بر شکل تابوت نمادین، به صورت‌های دیگری نیز در آیین‌های عزاداری فارس، جنوب ایران و شهرستان جهرم حضور دارد.

یافته‌ها

اسطوره ایزد قربانی و نخل

باورهای دینی انسان نخستین از اسطوره‌ها آغاز می‌گردد و بعدها در زمان‌های متأخرتر به گونه‌ای ادیان شکل می‌گیرد (رک: اسماعیل‌پور، ۱۳۹۳: ۱۴). از تمدن‌های باستانی مصر، یونان و آسیای صغیر، ایران و آسیای میانه، بین‌النهرین، سوریه و فلسطین، روایاتی کهن باقی مانده که معرف وجود ایزدان گیاهی یا ایزدان شهیدشونده است که با مادر یا همسر خویش مرتبط بوده‌اند. معمولاً درختان یا گیاهانی که امروزه مقدس شمرده می‌شوند، در دنیای امروز نمادی از حضور این ایزدان هستند. معروفترین شخصیتی که در اساطیر ایرانی از مرگ وی گیاه می‌روید، سیاوش است که به نوعی پهلوان مظلومی است که خون وی به ناحق به زمین ریخته می‌شود و از خون جای وی، گیاه پر سیاوشان می‌روید. اتیمولوژی سیاوش و بحث درباره جایگاه وی در اسطوره‌های ایرانی و شناخت کهن‌الگوی بین‌النهرینی او، دوموزی، نقش وی را در پنج حوزه آیین‌ها، نخستین انسان، موضوع شهادت، گیاه پر سیاوشان و سوگ سیاوش نشان می‌دهد (قائم، ۱۳۹۲).

آیین خدای شهیدشونده در اسطوره‌های بین‌النهرین، آیین آکیتی و آکیتو بود که پیش از هر بهار برگزار می‌شد و در طی آن، الهه باروری، همسر یا پسر خود را که حاضر نبود به عشق وی تن دردهد، می‌کشت و آیین‌های سوگواری بر مرگ او انجام می‌شد، تا این که پس از بهار، تولد مجدد او با رویش دوباره طبیعت و شادی و پایکوبی و جشن‌های آغاز سال همراه می‌شد و بدین ترتیب می‌پنداشتند که خدای باروری، لطف خود را شامل حال آن‌ها خواهد کرد و آن سال محصولات پربارتری خواهند داشت (بهار، ۱۳۷۶: ۴۲۸). در اساطیر، مرگ ایزد نباتی، سخت و دهشتناک و اغلب به شکل قتل، بریدن سر و قطع اندام است که البته پیامد و ماحصل مثبت و میمونی را برای طبیعت و انسان به همراه دارد و حیات، طبیعت، اعتدال و خلقت جدید از جوهر ایزد مقتول بهره‌مند می‌شود. بن‌مایه تکه‌تکه شدن ایزد مقتول در الگوی باروری همچون: جدا شدن سر نودر، شاه ایران، به دستور افراسیاب و همچنین سیاوش،

ایزد نباتی شاهنامه(رک. مالمیر و حسین پناهی، ۱۳۹۳: ۴۹)، بیانگر این نکته است که اجزای پیکر ایزد نباتی وقتی در گستره خاک پخش می‌شوند، سترونی و نازایی خاک را از بین می‌برند.

نورتروپ فرای، اسطوره باروری، مرگ و باززایی را شاخه‌ای از الگوی اسطوره سیر و سلوک و طلب می‌داند و برای اسطوره طلب، چهار مرحله ارائه می‌دهد: نخست: نفس جدال، که در قالب عصیان یا قیام بروز می‌کند. دوم: مرگ، که اغلب اوقات مرگ متقابل قهرمان و هیولاست. سوم: ناپدید شدن قهرمان، مفهومی که در اغلب اوقات به شکل تکه‌تکه شدن قهرمان نمود می‌یابد. چهارم: ظهور مجدد و بازساخت قهرمان.(رک: فرای، ۱۳۷۷: ۲۳۲-۲۳۳)

در ادامه، قهرمان اسطوره‌ای هم می‌تواند در قالب فرزند خود و هم در پیکره درخت، در حیات نباتی ادامه یابد. بافت کهن‌تر آیین اکتیو را در فرهنگ سومری و روایت جدیدتر آن را در اساطیر بابلی می‌بینیم. الهه سومری اینانا، معادل ایشتر ملکه بابلی آسمان، در مقابل دوموزی(تموز)، قرار می‌گیرد که نمونه نخستین همه خدایان گیاهی است که می‌میرند و همراه با تولد دوباره رستنی‌ها در بهار برمی‌خیزند. تبعید خدای مذکر انلیل به دنیای زیرین نیز می‌تواند ساخت دیگری از همین اسطوره باشد. در متون بابلی، از نیایش‌های همگانی مربوط به تموز یاد می‌شود که از ویرانی جهان پس از غیبت او از سرزمین زندگان به وجود آمده است؛ سنتی که در اغلب فرهنگ‌های اساطیری نفوذ کرده، از جمله در حزقیال نبی(۱۱/۸) از زنان بنی‌اسرائیل یاد شده که بر مرگ تموز گریه می‌کنند. اسطوره ونوس و آدونیس در یونان نیز تکرار این بن‌مایه را نشان می‌دهد(هوک، بی‌تا: ۵۳-۲۳).

در آیین کهن، دوموزی نخل به عنوان یک ایزد قربانی یعنی شهیدشونده و رستاخیزکننده و امروزه به عنوان نماد باروری، یعنی چرخه مرگ و رستاخیز طبیعت و قربانی به شمار می‌رود.

در فرهنگ عیلامی، تموز، ایزد روییدنی‌ها و گیاهان و درختان به شمار می‌رفت و نماد این ایزد، درخت خرما یا نخل بود(قربانی، ۱۳۹۷: ۱۹۰). به نظر می‌رسد واژه مُخ، که نام دیگر نخل در مناطق جنوبی ایران است، نیز از واژگان دخیل از زبان عیلامی به اوستایی و پهلوی باشد، زیرا نخل، درخت بومی آسیای میانه و نژاد آریایی نیست، بلکه بومی سرزمین‌های گرم عیلام و بین‌النهرین بوده و از این درخت با صفت درخت آسوریک، یعنی درخت سرزمین آشورستان یا سوریه و عراق یاد شده است. رابطه دیگری که بیانگر تقدس نخل و ارتباط با ایزدان کهن است، جنبه پرستش بت‌هایی از جنس خرماست که در میان قوم و تمدن سامی از جمله نجران از آن یاد شده است(ابن‌هشام، ۱۳۶۱: ۵۶/۱). بت‌های اقوام سامی معمولاً از مواد و مصالح گران‌بها ساخته می‌شدند و خرما، در میان اعراب نشان از اقبال، برکت و صلح بود و به دلیل این احترام، در عصر جاهلیت بعضی طوایف عرب، گاهی از خرما، بت می‌ساختند و آن را می‌پرستیدند. این قبایل در سال‌های تنگدستی و قحطی نیز این بت یا بت‌های ساخته‌شده از خرما را با عذرخواهی و شرمندگی می‌خوردند. یکی از ریشه‌های ساخت اصطلاح «کُل رَبّه زَمَن المجاعة» به دلیل همین خوردن خدای خرمایی در بین قبیله حنیفه بود که با تحریف و تصرفی در فارسی به صورت «هم خدا را می‌خواهد، هم خرما را» در حکم ضرب‌المثل درآمد(رک: پرتوی آملی، ۱۳۶۳: ۲/۱۰۹۸).

در آیین اسلام نیز نام نخل و و خرما، ۴۲ بار در ۱۶سوره قرآن آمده و میوه‌ای بهشتی و درخت پناهگاه حضرت مریم(س) در هنگام وضع حمل معرفی شده است.

در تاریخ و اساطیر ایرانی نیز به درخت نخل همواره با احترام و تقدس نگریسته شده است: «میوه آن [نخل] جنبه باروری داشته و در زمان هخامنشی و ساسانی به درخت زندگی معروف بوده است. درخت نخل علاوه بر باروری، نماد پادشاهی نیز بوده است»(کندی، ۱۳۸۱: ۲۶؛ مبینی و شافعی، ۱۳۹۴: ۴۸). در آیین‌های نیایش زردشتیان برای نگه‌داشتن ساقه‌های بهم‌بسته گیاهان، که برسم نامیده می‌شود، از بندی که از لیاف برگ درخت نخل بافته شده است، استفاده می‌کنند و برخی هم معتقدند که برسم از برگ نخل بوده و

برسم‌گسترده هم اشاره به رسمی کهن دارد که هنگام قربانی کردن در محل این آیین، شاخه‌های برسم را گسترده و گوشت قربانی را روی آن می‌گذاشتند (رک: دوستخواه، ۱۳۵۷: ۹۴۵).

نخل و آیین‌های سوگواری

سوگواری و عزاداری از آداب جدایی‌ناپذیر فرهنگ ایران به شمار می‌رود. آیین سوگواری از منظر اسطوره‌ای، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی، آیین فقدان شخصی نیست، بلکه در چرخه ادواری آیینی، ذات مرگ در تقابل با ذات هستی معنا می‌یابد. مثلاً گریستن بر ایزدان در بین‌النهرین، سمبل بارش باران بوده است.

از ایران باستان تا به امروز، عزاداری جایگاه ویژه‌ای در میان اقوام ایرانی داشته و با اشک، زاری و اندوه همراه بوده است. در فرهنگ کهن ایران به آداب سوگواری و غم بازماندگان چون: شیون زنان، ضجه‌زدن، جامه از تن دریدن، خاک بر سر ریختن، خراشیدن چهره، نفرین کردن بخت، بریدن گیسو و از بین بردن یادگارهای وی چون: اسب و خانه، حمل تابوت، قطع درخت و... یاد شده است.

نشان نخل در سوگواری در حوزه فرهنگی ایران بر روی تابوت‌های سفالی لعابدار دوره اشکانی نیز دیده می‌شود. برخی از این تابوت‌ها با طناب‌هایی از جنس برگ نخل محکم شده بودند (چاپچی امیرخیز، ۱۳۸۱: ۲۴-۲۷). از کاربرد برسم، که از بافته‌ای از برگ‌های نخل بود، به عنوان یکی از اجزای آیین‌های نیایش و قربانی زرتشتی نیز قبلاً یاد شد (رک: دوستخواه، ۱۳۵۷: ۹۴۵). نقش نخل ماتم در دو رسم متفاوت و با زمینه مشترک عزاداری در جامعه ایرانی و فرهنگ تشیع به کار رفته است: یکی به صورت تابوت‌واره‌ها در مراسم عاشورا و دیگری شیوه‌ای خاص در مراسم خاک‌سپاری مردگان (رک: وسترمارک، ۱۳۹۶: ۳۳۰).

نخل ماتم در ادبیات فارسی نیز آمده و بیشتر محدود به مفهوم نخست می‌شود که مفهومی عام و فراگیرتر است و در دیوان شاعران قبل از دوره صفویه به سبب موانعی که پیش روی گسترش فرهنگ تشیع وجود داشته است، نشانی از اشاره به آن نیست. هرچند در بین مسلمانان هندی، مراسم عاشورا از دیرباز با آیین‌ها و شیوه‌های خاصی که ترکیبی از فرهنگ ایرانی و هندی است، برگزار می‌شده است (حکمت، ۱۳۳۷: ۲۵۳). مثلاً اصطلاح نخل ماتم در اشعار بیدل دهلوی که در طرح مضامینی گسترده از آن بهره جسته، خاص فرهنگ ایرانی و مختص آیین‌های عزاداری ایرانی بوده است:

نشاط زندگی خواهی نم چشمی مهیا کن همین اشک است اگر هست آبیاری نخل ماتم را

(بیدل دهلوی ۱۳۷۷: ۲۲۶)

در ادبیات فارسی نیز در قرن دهم، در اشعار محتشم کاشانی و ترکیب‌بند مشهورش در رثای امام حسین (ع)، چندبار از نخل به عنوان استعاره و تشبیه از امام حسین (ع) یاد شده (محتشم کاشانی، ۱۳۸۰: ۴۶۲، ۴۶۵) یا در این بیت که نخست از نماد شاهانه یعنی سرو و بعد از نخل، نماد عزا و حیات جاودانی وی، سخن رفته است:

اینک اینک این سرو زیر گل، سرو گلستان رسول کز غم نخل بلندش، قامت گردون دوتاست

(محتشم کاشانی، ۱۳۸۰: ۴۶۹)

حتی در اشعاری هم که در استقبال از ترکیب‌بند محتشم کاشانی، سروده شده است نیز این تشبیه دیده می‌شود:

این سرو باغ فاطمه کز تیشه ستم افتاده نخل قامتش از پا، حسین توست

(بی‌نا). چنانکه یاد شد نخل و سرو هر دو نماد شاهی در ایران باستان بودند.

دهخدا درباره اصطلاح نخل ماتم و نخل عزا می‌نویسد: «نخل را چون برای عزاداری در محرم می‌بندند و می‌آریند، نخل محرم و چون از اسباب عزاداری ویژه عاشورای حسینی است و در روز عاشورا آن را بلند می‌کنند و می‌گردانند، نخل عاشورا نامیده‌اند و سبب کاربرد نخل در مراسم سوگ شهیدان دین و مرگ ناکام و به هنگام مراسم عزا و ماتم، آن را نخل عزا و نخل ماتم هم نامیده‌اند» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج: ۱۴: ۲۲۳۸۸).

امروزه در مراسم‌های عزاداری محرم شیعیان ایران، مثلاً در یزد، نیز اتاقکی شبیه تابوت با پوشش سیاه و آراسته با انواع شال‌های رنگارنگ و آیینی را به عنوان نخل یا نخل کتل به عنوان تشییع نمادین پیکر امام حسین (ع) در عزاداری روز عاشورا حمل می‌کنند و به آن نخل گردانی می‌گویند (رک: بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۴۱).

استفاده از واژه نخل و اطلاق این عنوان بر رسم تابوت‌گردانی امام سوم شیعیان، به دوره صفوی بازمی‌گردد. علت نام‌گذاری نخل عزا به نام این درخت چندان مشخص نیست، شاید مهم‌ترین علت رواج این نام و رسم، این باشد که در روایات و باورهای مردم، پیکر امام حسین (ع)، روی تنه یا شاخه‌های درخت خرما به سمت محل دفن حمل شده است (رک: علی‌زاده و ثقفی، ۱۳۸۸: ۴۶). دلیل دیگر این که اشکال قدیمی تابوت یا اطافک نخل را از چوب و برگ درخت خرما می‌ساختند (جمشیدی گوهرریزی، ۱۳۸۹: ۵۹) همچنین احتمال دارد نخل عزا به سبب تقدس و حرمت درخت خرما در فرهنگ ایران، نخل نامیده شده است (زارع‌زاده و رهبرنیا، ۱۳۸۸: ۴۶).

این نخل به صورت نمادین بیانگر ارتباط قهرمان با ایزد گیاهی است. نیر تبریزی در قصیده مرثیه‌ای، سر بریده و بر نیزه امام حسین (ع) را به آتشی تعبیر می‌کند که در نخل طور که جلوه‌گاه الهی است، شعله‌ور می‌شود و حضرت موسی (ع) را از ترس بیهوش می‌کند:

ز تماشای تجلای تو مدهوش کلیم ای سرت سیر آنالله و سنان نخله طور

(نیر تبریزی، ۱۳۵۹: ۱۲۱)

به لحاظ شکلی، نخل ماتم مانند سرو، قطور و عریض ساخته شده، که یادآور درخت تناور و بالنده سرو، نماد جاودانگی، ماندگاری و زیبایی است. نخل عزایی که در مناطق کویری و جنوبی ایران در روز عاشورا حمل می‌شود، نشانه‌های آشکاری از سر و شکل سرو دارد که نخل در مراسم جنوب ایران، جای آن را گرفته است. نیز دو رویداد قطع سرو عظیم خراسان که همزمان با واقعه ویران شدن مرقد حضرت سیدالشهدا (ع) بوده (رک: بیهقی، ۱۳۸۷: ۲۷۲) در نزد مردم منزلتی خاص داشته است. بنابراین به نظر می‌رسد تقارن واقعه قطع سرو عظیم خراسان و ویران شدن مرقد امام حسین (ع) و نیز تشابه سرو به شکل گنبد، در شکل‌گیری نخل ماتم اثرگذار بوده است.

نخل گاهی در مراسم عزاداری‌های عادی هم به کار می‌رفت. تا چندی پیش در خور در شرق اصفهان، «پیشاپیش جنازه، یکی برگی از خرما را بر روی دوش می‌گذاشت و می‌رفت و صاحب عزا هم پشت سر او گریه می‌کردند و می‌رفتند» (غلامرضایی، ۱۳۹۵: ۲۱۳). نخل در باور مردم ایران و به‌ویژه جنوب با دنیای زیرین و مردگان با آدابی چون خیرات خرما و وقف نخل نیز مرتبط است که آن را شایسته احترام و تقدیس می‌کند. در فرهنگ مردم خشت در فارس و دلواری در استان بوشهر، معمولاً چند درخت نخل را به عنوان خُمس باغ به سادات وامی‌گذارند که تا آخر عمر از محصول آن برداشت کنند. مردم این مناطق همچنین چند اصله نخل را به شیخ یا ملای ده واگذار می‌کنند تا ضمن برداشت محصول، برای درگذشتگان قرآن قرائت کند و فاتحه بخواند (سلامی، ۱۳۸۲: ۶۷).

در ایرانشهر در بلوچستان، وصیتی به نام اسکات وجود دارد که افراد در زمان حیات از وراثت خود می‌خواهند برای کسی که آن‌ها را پس از مرگ می‌شوید و کسی که قبر را می‌کند، یک یا دو نخل هدیه شود و پس از مرگ، وراثت ملزم به انجام این کار هستند یا در زاهدان رسم است که برای تمام اموات درخت یا زمینی وقف کنند(رک: کریم‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۹۱).

«در روستای جتوط دشتستان یک عدد گرز سبز(چوب برگ نخل) که اسم دوازده امام را روی آن نوشته‌اند در کنار میت دفن می‌کنند یا در روستای سیف‌آباد کازرون زمانی که متوفی را به خاک می‌سپارند، اهالی دو چوب از نخل را زیر بغل متوفی می‌گذارند و معتقدند که این دو چوب عصای دنیای پس از مرگ اوست. این رسم در اکثر نقاط نخل‌خیز متداول است»(همان: ۱۹۱).

وسترمارک نیز به همین آیین و نقش نخل در مراسم خاکسپاری مردگان اشاره کرده و گفته است: «یکی از سنت‌های مسلمانان شیعه، نهادن جریدتین، دو ترکه چوب از نخل با مردگان در گور است. این سنت را به همه انبیا و حضرت پیامبر اسلام نسبت داده‌اند. عبدالجلیل قزوینی رازی در سبب پیدایی سنت همراه کردن جریدتین با مرده در کتاب *النفص* می‌نویسد: «هنگامی که آدم از بهشت به زمین فرستاده شد، از جبرئیل خواست تا دو چوب از آن درخت خرما که در بهشت زیر آن می‌نشست و می‌خفت، برای او بیاورد. آن دو چوب را که جبرئیل آورد، در خاک بنشانند تا درختی بالنده و بارور شد و در سایه آن می‌نشست و از میوه آن می‌خورد. چون آدم از دنیا برفت، خداوند فرمود که دو چوبک از آن درخت را در کفن آدم بپیچند. چنان کردند و پس از آن، نهادن جریدتین با مرده، سنت آدم و حوا شد»(وسترمارک، ۱۳۹۶: ۳۳۱).

مردم جنوب همچنین معتقدند که خرما میوه بهشتی است و آن را برای بخشش مردگان در تمام مراسم‌های عزاداری بین مردم پخش یا خیرات می‌کنند.^۱ محصولات نخل چون: خرما نوبر و انواع محصولات حاصل از خرما مثل: حلواي خرمایی یا خرماي کنجدی و... برای شادی ارواح اموات، بین مردم تقسیم می‌شود. به‌ویژه اگر خرما حاصل باغ متوفی باشد آن را برای شادی روح وی خیرات می‌کنند. در جهرم اگر کسی از ثمره نخلی می‌خورد که مالک آن فوت کرده باشد، به روح او درود می‌فرستد و می‌گوید: «خدا رحمت کنه باعث و بانیش». در ایام عزاداری محرم و صفر نیز در جهرم، حلوایی از افشیره خرما تهیه می‌شود که به حلوای سیدالشهدا(ع) معروف است و به صورت نذری بین مردم توزیع می‌شود. در شهر خاوران در فارس «شب جمعه‌ای، درخت خرمایی است که محصول آن برای خیرات شب‌های جمعه از طرف یکی از اموات وصیت شده باشد»(منصوری، ۱۳۸۶: ۱۹۲).

در جهرم اغلب آیین‌های بزرگداشت اموات که مرتبط با درخت نخلند، نام یکی از پیشوایان یا بزرگان دینی را بر خود دارند. مثلاً خرما یا درخت حضرت عباس(ع)، درخت شب‌جمعه‌ای، حلوای سیدالشهدا یا حلوای امام حسین(ع). خوردن این محصولات مقدس نیز ثواب و بابرکت و در اصطلاح محلی، نارنگ است که خود واژه‌ای کهن به معنای مقدس است.

در واقع آیین کاربرد حلوا و خرما در مراسم ختم نیز به مناسبت خوراکی‌های که نثار روح درگذشتگان می‌شود، توالی گیاه-انسان و باورهای اساطیری وجود دارد. ردپای حضور این دو عنصر در آیین‌های سوگواری بین‌النهرین نیز دیده می‌شود. خرما، میوه‌ای است که در سرزمین‌های گرم میان دجله و فرات به فراوانی می‌روید و در بسیاری آیین‌ها مردم آن نواحی از آن استفاده می‌کنند و از آنجا که محصول درختی همیشه سبز چون نخل است، مظهر رستاخیز و خوراکی نیروبخش به شمار می‌آید. بنابراین باورها، میوه‌های خرما به روان درگذشته نیرو می‌بخشیدند تا مسیر طولانی وادی مردگان را بپیماید. منداییان هم که بازماندگان اقوام کهن میان‌رودان هستند در غذاهایی که برای روح در گذشته تهیه می‌کنند، خرما قرار می‌دهند(رک: زمردی، ۱۳۸۷: ۵۲).

^۱ . نخستین تعزیه‌خوانان روستای جتوط در بوشهر نیز برای تهیه اولین نسخه تعزیه در سال ۱۳۴۱، یک بار خرما(معادل ۱۲۸ کیلوگرم) برای نسخه‌دار کهن هدیه بردند.

باز آفرینی زندگی و شهادت امام حسین(ع) با تمثیل درخت نخل در جهرم

قربانی کردن نخل

شهادت برای امام حسین(ع) و برای سیاوش نوعی حماسه منفی است؛ «آرزو یا اراده بالقوه مریدان که زاده نمی‌شود و جسمیت نمی‌یابد، به مرادی کامل و مردی آسمانی منتقل می‌شود. در دنیایی که آدمی به هر تقدیر ناچیز می‌شود، مرگ فرجام کار محترمان است، به‌ویژه که او تجسد اراده محبوس هواخواهان باشد و هرچه مرگ نارواتر و غم‌انگیزتر، اجابت نیازهای روح پیران تمام‌تر. از این نظرگاه، شهادت فرجام به‌کمال و ضروری چنین قهرمانی است. ذات پروردگار در برگزیدگان حلول می‌کند و عجب آنکه همین برگزیدگان شهید می‌شوند» (مسکوب، ۱۳۵۴: ۹۳).

برخی آیین‌های عزاداری کهن در ایران چون سوگ سیاوش در دوره‌های جدیدتر در ایران به عزاداری‌های عمومی تغییر شکل یافت و در نتیجه، آیین قربانی آن برکت گیاهی یا نباتی، به‌صورت آیین دینی درآمد. در توصیف برخی آیین‌های مشابه حیات دوموزی، قطع درخت نخل و حمل آن نیز نقل شده است (بهار، ۱۳۹۰: ۲۶۷). در ایران باستان، هنگام تشییع جنازه شاهان، تشییع‌کنندگان، درخت سروی را از ریشه درآورده و پشت جنازه حمل می‌کردند. این رسم که از درخت به عنوان نماد زندگی در مراسم تدفین استفاده شود، به مرور در مراسم سوگواری تاسوعا و عاشورا بازسازی شد و به شکل نمادین آن یعنی علم و کُتُل، یکی مشابه درخت نخل و دیگری مشابه درخت سرو، درآمد (رک: صالحی، ۱۳۷۲: ۱۱۹).

در گذشته در مراسم سوگواری محرم در جهرم به یاد و نماد تابوت امام حسین(ع) و یارانش در روز عاشورا، نخلی بریده، و در ادامه درخت بریده‌شده، تکه‌تکه می‌شد. با تکه‌تکه شدن نخل در ظهر عاشورا، فریاد «یا حسین یا حسین» سوگواران، بلند و نخل که با امام حسین(ع) برابر نهاد می‌شد خود به شهیدی دیگر بدل می‌شد و مظلومیت حسین بن علی(ع) در قالب نخل قربانی، تجسمی دیگر می‌یافت. این رسم هم‌اکنون در جهرم منسوخ شده و آخرین سال‌های اجرای آن دهه شصت خورشیدی بوده است. بخشی از فیلم «چتر سبز؛ نخل جهرم» (۱۳۶۷)^۱ ساخته دکتر احمد ضابطی جهرمی درباره همین آیین کهن قربانی کردن نخل در روز عاشورا در جهرم است. فریاد حسین حسین دسته‌های عزادار به گوش می‌رسد. مردی در بالای نخل شاخ و برگ‌های آن را با آره می‌برد و بر زمین می‌اندازد. گروهی دیگر در پایین با استفاده از همان شاخ و برگ‌ها، تابوتی شبیه به نخل درست می‌کنند؛ قطع شاخ و برگ‌های درخت که سرانجام به قطع خود درخت می‌انجامد؛ با عزاداری دسته‌های عزا همراه است و در کنار آن گروهی به درست کردن تابوتی از نخل مشغولند. راوی می‌گوید: در تاریخ است که فردای شهادت امام حسین و یارانش، قبیله بنی‌اسد از شاخ و برگ نخل تابوت‌ها ساختند؛ بر پیکر آن‌ها نماز گزارند و به خاک سپردند. هر سال در ایام عاشورا، برای نمادین ساختن تابوت امام حسین(ع) و یارانش نخل‌هایی بریده و قربانی می‌شوند. در پایان تابوت آمده می‌شود و به میدان عزا می‌آید و با اجرای تعزیه میدانی و آتش زدن خیمه‌ها به اوج می‌رسد.

به طور کلی زندگی و قیام امام حسین(ع) و شهادتش را با نظر فرای درباره اسطوره سیر و سلوک و طلب می‌توان تطبیق داد. چهار مرحله این سیر و سلوک یعنی قیام، مرگ، تکه‌تکه شدن و ظهور مجدد و بازساخت قهرمان به طور کامل با حیات امام حسین(ع) و آیین‌های بزرگداشت وی تطابق دارد.

^۱ . مجموعه هفت قسمتی «چتر سبز نخل جهرم» در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ به تهیه‌کنندگی و کارگردانی دکتر احمد ضابطی جهرمی، پدر علم تدوین ایران، در شبکه دو تلویزیون تولید شد. این مجموعه، با آهنگسازی زنده‌یاد عطاء جنگوک و تصویربرداری مرتضی پورصمدی، تصاویری کامل و بکر از آیین کهن قربانی کردن نخل در عاشورا و نخلستان و معماری شهر جهرم ارائه می‌دهد. این فیلم در لینک زیر قابل رؤیت است:

مشابه این رسم، به صورت نذر درخت برای علم عزاداری محرم، هنوز در برخی از روستاهای ایران به‌ویژه در خراسان جنوبی برگزار می‌شود. درخت نذری، قبل از عاشورا به صورت جمعی توسط اهالی روستا قطع و پس از عزاداری، تکه‌تکه و به خاک سپرده می‌شود (قربانی، ۱۹۸: ۱۹۴). در مراسم قاراقارا، که یکی از آیین‌های عزاداری سنتی در خلخال است، درخت بلندی قطع می‌شود تا به عنوان علم عزاداری از آن استفاده شود. در فرهنگ کنونی آذربایجان، قاراقارا به درخت قطور و بلندی اطلاق می‌شود که پارچه‌های مشکی به آن دخیل بسته می‌شود و نماد برافراشتن علم عزای امام حسین (ع) است. درخت قاراقارا توسط شخصی که آن را نذر و از آن نگهداری کرده است، قطع شده و بر دوش مردم تا میدان اصلی شهر حمل و همزمان مراسم عزاداری و نوحه‌خوانی هم اجرا می‌شود.

قربانی نخل در ایران همیشه برای عزا نیست. در برخی بخش‌های نخل‌خیز ایران نظیر جنوب، جنوب غربی و حاشیه کویر مانند خور و بیابانک و طبس درخت نخل در مواقع خاصی از ریشه زده و به عبارت دیگر قربانی می‌شود که به اساطیر رستاخیز طبیعت و باروری زمین بازمی‌گردد. این آیین هنگام بازگشت از زیارت خانه خدا یا سفری دیگر، مراسم عروسی و مهم‌تر از همه پیش از عید نوروز یعنی اول فروردین و روز سیزده‌به‌در انجام می‌شود (قربانی جویباری، ۱۳۹۸: ۱۹۶). پنیر خرما یا در اصطلاح جهرمی گچ، مغز درخت نخل است که سفید، ترد و شیرین است. در مراسم قربانی کردن نخل برای شادی، مناسک بیرون آوردن پنیر نخل، یعنی کشتن آن انجام می‌شود، زیرا برای رسیدن به مغز نخل چاره‌ای جز نابود کردن یا کشتن نخل نیست. کشاورزان جهرمی از به کاربردن اصطلاح نابود کردن، قطع یا کشتن نخل، اکراه و ابا دارند و برای اشاره به این عمل اصطلاح «کچی کردن نخل» را به کار می‌برند. در شهرستان جهرم نیز بریدن نخل‌های ناکارآمد یا بچه نخل‌هایی که در تنه اصلی مادر قرار دارند و خوردن پنیر آن در فصل بهار رواج دارد، اما حالت آیینی ندارد. اما قربانی نخل بزرگ نر در جهرم در گذشته در ظهر روز عاشورا مقارن با ساعت شهادت سیدالشهدا (ع) انجام می‌شده است.

تابوت / نعش گردانی

در آیین‌های دینی، نشانه‌هایی وجود دارد که نمادین و معنادارند. «این نمادها و آیین‌ها، جهان غیرانسانی و ماورائی را تنها تصویر نمی‌کنند، بلکه فعلیت می‌بخشند، به حضور می‌آورند و به زمان حاضر بازمی‌گردانند» (ستاری، ۱۳۷۲: ۳۰). در آیین نخل‌گردانی روز عاشورا، شور و هیجان عزاداران گرداندن شبیه‌ها، توزیع خرما، پخت حلوا و در نهایت قربانی و حمل نخل، می‌تواند همان فعلیت بخشیدن به مفهوم شهادت در این زمان باشد یعنی زنده کردن تمام آن لحظات و آنچه بر ایشان رفته است. گرداندن تابوت‌واره‌ها در دسته‌های عزا که هر یک مظهر و نمادی از تابوت شهید به شمار می‌آید، بیشتر در ایام محرم، به خصوص روز عاشورا دیده می‌شود. «این تابوت‌های نمادین یا تمثیلی به شکل‌های گوناگون و شبیه صندوق گور، ضریح و گنبد و بارگاه می‌سازند و در حوزه‌های جغرافیایی مختلف ایران به نام‌های: نخل، حجله، شیدونه، دغدغه، شش گوشه، نهر علقمه، شط فرات و جز آن می‌نامند» (دایره‌المعارف اسلامی، ۱۳۸۷: ۱۴/۱۸۱).

تشییع تابوت نخل و قربانی نخل در آیین‌های عزاداری جنوب به اشکال مختلفی دیده می‌شود. یکی از آن‌ها، تشییع نمادین پیکر شهدای کربلا است که در آن از نمادی ضریح و گلدسته یا کتل در دسته‌های عزاداری و گاهی هم گهواره علی‌اصغر (ع) استفاده می‌شود. در کنار این افراد تعدادی نیز با لباس‌های قرمز به نشانه اشقیا و سبز به نشانه اولیا، لباس‌های عربی می‌پوشند و با سپر و شمشیر و البته اسب و شتر، دسته‌های عزاداری را در جهرم همراهی می‌کنند. پیکرگردانی یا تشییع نمادین پیکر شهدای کربلا در مساجد جهرم برگزار می‌شد و در گذشته با تهیه تابوت‌های نمادین که با انواع پارچه‌های زربفت، سبز و سیاه تزیین شده بود، این

پیکرواره‌ها در مساجد جهرم گردانده می‌شد. تشییع این گونه تابوت‌ها در جهرم امروزه رایج نیست و بیشتر به شکل حمل کتل و حجله درآمده است.

در شهر خاوران در شهرستان خفر، که تا چند سال گذشته جزء شهرستان جهرم بود، نیز آیین تشییع نمادین پیکر مطهر شهدای کربلا و امام حسین (ع) در روز ۱۳ محرم و با عنوان نعش‌گردانی با سینه‌زنی و بر دوش گرفتن تابوتی نمادین ساخته‌شده از چوب و برگ نخل به نشانه پیکر مطهر امام حسین (ع) برگزار می‌شود. این تابوت را با پارچه‌های سبز و زربفت و سیاه می‌آرایند و بر روی دوش گذاشته و با خواندن مداحی، می‌گردانند. «تابوت‌واره نخل امروزی مردم شیعه، تمثیلی از حیات جاویدان شهیدان است» (وسترمارک، ۱۳۹۶: ۳۳۱).

در عزاداری‌های قدیم امام حسین (ع) در جهرم نیز پیشایش دسته‌های عزاء، دو نفر که معمولاً از افراد کم‌سن و سال بودند، دو برگ بلند سبز درخت نخل را به صورت عمودی به نشانه علم قیام امام حسین (ع) یا شخصیت آن امام در دست می‌گرفتند و راه می‌رفتند.

طایفه بنی‌اسد؛ آیین تشییع نمادین شهدای کربلا در جهرم

یکی از آیین‌های بسیار کهن عزاداری محرم در جهرم، آیین تشییع نمادین شهدای کربلا در روز سوم شهادت امام حسین (ع) و سیزدهم محرم با نام «طایفه بنی‌اسد» است. طبق باورهای عامه، شهدای کربلا فاقد تابوت بودند و پیکر آن‌ها روی تنه نخل حمل شد و طایفه بنی‌اسد اولین کسانی بودند که پس از پایان جنگ، به میدان آمدند و پیکر این شهدا را دفن کردند. عزاداران جهرمی نیز به یاد این واقعه، با حمل بیل، کلنگ، بوريا و تنه نخل به نشانه تابوت، در حالی که بر سر ایشان کاه و گل ریخته می‌شود با نوحه‌خوانی، مراسم تشییع نمادین شهدای کربلا را انجام می‌دهند. «به این دسته عزاداران نمایشی، طایفه بنی‌اسد گفته می‌شود» (قزلی، ۱۳۹۴: ۱۲۵).

در این آیین، عصر روز سیزدهم محرم هر سال، بنا بر سنتی دیرین، تعدادی از مردم جهرم کفن می‌پوشند و با وسایل تدفین نمادین چون بیل، کلنگ برای حفر قبر، زنبیل برای جابه‌جایی خاک، چوب، حصیر و بوريا به نشانه کفن و تابوت امام حسین (ع) و یارانش، برای تشییع نمادین پیکر شهدای کربلا از سمت حسینیة آیت‌الله آیت‌اللہی تا مقبره خانوادگی این خاندان موسوم به قبر آقا، سینه‌زنی و نوحه‌خوانی می‌کنند. گاهی نیز افرادی سوار بر اسب و با لباسی عربی این مراسم را همراهی می‌کنند. سایر محلات جهرم نظیر: مصلی، اسفریز، دشتاب و گازران نیز به این دسته می‌پیوندند تا به مقبره آقا برسند و با خواندن نوحه و سینه‌زنی این مراسم به پایان می‌رسد. این آیین بسیار حزن‌انگیز است و در سر راه این هیئت، زنان و مردانی بر سر ایشان خاک و کاه به نشانه عزاداری می‌پاشند. به این مراسم تشییع که حالت نمادین دارد، طایفه بنی‌اسد می‌گویند.

در ادوار گذشته آیین طایفه بنی‌اسد در جهرم، تنه نخل نیز به نشانه تابوت شهدا بر دست‌ها تشییع می‌شد، زیرا معتقد بودند که شهدای کربلا تابوت نداشتند و پیکر ایشان بر روی تنه نخل حمل شده است.

آیین طایفه بنی‌اسد در برخی نقاط دیگر کشور چون پیشوا، شاهرود، همدان، قزوین و... نیز با کمی تفاوت نسبت به جهرم اجرا می‌شود و در فهرست آثار معنوی کشور به ثبت رسیده است. این آیین یکی از مراسم عزاداری اباعبدالله الحسین (ع) است و با اینکه در شهر جهرم قدمتی بسیار کهن دارد، هنوز به ثبت ملی نرسیده است.

آیین طایفه بنی‌اسد در واقع یادآور وقایع روز ۱۳ محرم سال ۶۱ قمری است که در آن، طایفه بنی‌اسد از طوایف عرب، به صحرای نینوا آمده و در حالی که پیکر مطهر شهدای کربلا عریان در زیر آفتاب سوزان افتاده بود، آن‌ها را تشییع کردند و به خاک سپردند. علمای شیعه معتقدند طایفه بنی‌اسد با کمک و راهنمایی امام سجاد (ع) اجساد شهدای کربلا را دفن کردند، مقرر در کتاب *مقتل*

الحسین(ع) دربارهٔ چگونگی تدفین شهدای کربلا می‌نویسد: «چون امام سجاد(ع) آمد، بنی‌اسد را دید که کنار کشتگان گرد آمده‌اند و سرگردانند، نمی‌دانند چه کنند و کشته‌ها را نمی‌شناسند، چون بین بدن‌ها و سرهای مقدس جدایی انداخته بودند و گاهی از بستگان آنان می‌پرسیدند، امام سجاد(ع) به آنان خبر داد که برای دفن این اجساد پاک آمده است. آنان را با نام و مشخصات معرفی کرد. هاشمیان را از دیگران شناساندند، ناله و شیون برخاست و اشک‌ها جاری شد و زنان بنی‌اسد مو پیشان کردند و سیلی به صورت زدند و بلند گریه کردند» (مقرم، ۱۳۸۱: ۱۶۱-۱۶۲). «در عزاداری‌های عظیم و باستانی، زن‌ها پیشاپیش همه باید عزاداری می‌کردند. در تورات آمده در جهان کنعان یهود، زنان با گریه‌های خود در واقع جادوی آب را به وجود آوردند تا الههٔ آب دوباره با اشک ریختن، باران را آغاز کند» (بهار، ۱۳۹۰: ۲۶۶).

کتل و حجلهٔ نخل برای مرگ جوانان

کتل، یکی از وسایل نمادین در آیین‌های سوگواری عاشورا در میان شیعیان است. کتل، در جهرم چهارچوبی فلزی و چرخدار است که با پارچه‌های سبز، مشکی و قرمز و زربفت و چراغ‌های رنگین تزئین شده است. در شب، چراغ‌های آن را روشن می‌کنند و داخل آن، نمادهایی از کاروان عاشورا چون: گهوارهٔ علی‌اصغر با پارچهٔ سبز، گل، چراغ، آیینه به نشانهٔ حجلهٔ قاسم(ع) و... قرار دارد که با دسته‌های عزاداری به‌ویژه در دههٔ محرم حمل می‌شود. در برخی مناطق جنوبی ایران، برای قاسم، جوان کربلا، مراسم عروسی به شکل نمادین برگزار و حجله‌ای آماده می‌کردند.^۱

حجلهٔ ختم سایر افراد، تابوت‌واره و اتاکی فلزی و استوانه‌ای است که به شکل نمادین شبیه به حجلهٔ عروسی تزیین می‌کنند و سقفی گنبدی یا تاجی شکل دارد و در برگزاری مراسم ختم به طور ویژه در مرگ جوانان ناکام جلوی در منزل، مسجد یا سر گذرهای محلات گذاشته می‌شود. حجله بیانگر این است که اگر جوان متوفی اگر زنده مانده بود، ازدواج می‌کرد و به خانهٔ بخت می‌رفت و مرگ برای وی زود بود. البته گاه برای متوفیانی که در سنین بالاتری هم هستند حجلهٔ عزاداری می‌گذارند که نمادی از این است که ای کاش او زمان بیشتری زندگی می‌کرد و از خوشی‌ها و نعمت‌های بیشتری برخوردار می‌شد.

حجله برای سوگواری از جوانان ناکام از دست‌رفته در جهرم به صورت تشریفاتی با آیین، قالیچه، چراغ، گل و عکس متوفی در جلوی منزل وی برپا می‌شود. شکل ساده‌تر آن، با برگ نخل سبز و به صورت طاقی است که به کثرت در جنوب و جهرم بر سر تخت، میز یا سکویی برافراشته می‌شود. شکل کتلی که به صورت طاقی با برگ‌های نخل ساخته می‌شود دقیقاً با شکل نخل عزایی که در مناطق کویری ایران تشییع می‌شود، یکسان است. روی تخت را پارچهٔ سیاه، مورد و عکس و اعلامیهٔ فوت متوفی می‌آریند و معمولاً از دستگاهی در کنار آن، برای پخش قرآن و مداحی نیز استفاده می‌شود و مردم نیز در روزهای نخستین فوت دور آن جمع می‌شوند.

نتیجه‌گیری

میل به نمونه‌پردازی‌های ازلی و تبدیل تاریخ و شخصیت‌های تاریخی به نمونه‌های ازلی در شیعیان ایران باعث شده که رویدادهای نخستین سدهٔ اسلامی را ورای قضایای تاریخی ببینند و آن‌ها را با روایت‌ها و نمونه‌های اسطوره‌ای کهن این سرزمین درآمیزند و

^۱ . گفته شده ماجرای ازدواج قاسم بن حسن(ع) با یکی از دختران امام حسین(ع) در روز عاشورا را نخستین بار ملاحسین کاشفی(درگذشتهٔ قرن دهم) در کتاب *روضهٔ الشهداء* گزارش و سپس به منابع دیگری همچون *منتخب طریحی و اکسیر العبادات* راه پیدا کرده است. عده‌ای آن را از تحریفات عاشورا می‌دانند. عالمان متعددی همچون علامه مجلسی، میرزا حسین نوری، شیخ عباس قمی، مرتضی مطهری این داستان را به دلیل ذکر نشدن در منابع معتبر، نپذیرفته‌اند.

قهرمانان مذهبی و تاریخی خود را با رفتار و خویشکاری‌های قهرمانان اساطیری جلوه‌گر سازند. بازنمایی و نمایش الگوی ازلی مرگ و رستاخیز در قالب شهادت سیاوش و امام حسین(ع) یکی از این نمونه‌هاست. سیاوش از یک باور توتمی تا خدای کشت تحول یافته و آن گاه در باورهای دیگر ایرانیان به ویژه انواع سوگ آیین‌ها مثل: تعزیه، چمر و نخل‌گردانی اثر گذاشته است. زندگی و قیام امام حسین(ع) و شهادتش را با نظر فرای درباره سطور سیر و سلوک و طلب می‌توان تطبیق داد. در واقع آیین‌ها عزاداری اسلامی ایرانی از آیین‌های اسطوره‌ای و کهن تأثیر گرفته و آیین‌های عزاداری محرم در ایران در واقع صورتی دیگر از آیین‌های سوگ سیاوش در گذشته است.

سرگذشت امام حسین(ع) نیز با سرگذشت سیاوش و ایزدان نباتی شباهت‌های متعددی دارد: عصیان، نقش بانوان ارجمند، قربانی شدن، شهادت با قطعه‌قطعه شدن بدن و رستاخیز مجدد. این امر باعث شد که هویت امام حسین(ع) در فرهنگ با آیین‌ها اساطیری بازسازی شود و به این ترتیب در این آیین‌ها به نوعی بازگو می‌شود که امام حسین(ع) نیز در واقع شهیدنشده و از دست نرفته، بلکه هر سال رستاخیزی دوباره خواهد داشت. شاه اسطوره‌ای نیز از مرگ استقبال می‌کند، چون می‌داند هرگز نخواهد مرد و سال آینده با بهار باز خواهد گشت.

نخل نماد ایزد دومی و شهیدشونده بین‌النهرین است که در باور اساطیری کهن هر سال طی آیینی به منظور برکت‌بخشی کشته می‌شد و سال آینده مجدد از زمین سر بیرون می‌آورد. در عزاداری‌های کهن نیز، درخت نخل که نماد ایزد و بعداً شاه بود، قربانی می‌شد. برخی از اجزا و میوه درخت نخل در فرهنگ اسلامی، کاربرد آیینی یافته است. این درخت در دوره‌های جدیدتر بعدها به عزاداری‌های مذهبی به عنوان نخل تابوت یا نخل عزاز راه یافت. با گذشت زمانه، آیین نخل‌بندی و نخل‌گردانی یکسان شمرده شدند. مراسم‌های سوگواری امام حسین(ع) در فارس و چهارم، با نخل گره خورده است.

آیین‌های سوگواری مرتبط با امام حسین(ع) چون نعش‌گردانی، تشییع نمادین شهدای کربلا با عنوان طایفه بنی‌اسد، قطع نخل در روز عاشورا در چهارم با اساطیر قربانی کردن ایزدان برای رستاخیز طبیعت مرتبطند. کتل، حجله و تابوت‌گردانی و گهواره‌علی(صغر)ع، یادبودی مقدس از این حادثه عظیم است.

منابع

ابن‌ابی‌الخیر، شهرمدان، *نزهت‌نامه‌ عالی، تصحیح فرهنگ جهانپور، تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۲*.
ابن‌سینا، ابوعلی، (۱۳۸۳)، *رساله در حقیقت و کیفیت سلسله موجودات، با مقدمه و حواشی موسی عمید، همدان: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و دانشگاه بوعلی همدان*.

اسماعیل‌پور، ابوالقاسم، (۱۳۹۳)، *اسطوره، بیان نمادین، تهران: سروش*.

الیاده، میرچا، (۱۳۷۶)، *رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش*.

بلک، جرمی، (۱۳۸۳)، *فرهنگ‌نامه خدایان؛ دیوان و نمادهای بین‌النهرین باستان، ترجمه پیمان متین، تهران: امیرکبیر*.

بلوکباشی، علی، (۱۳۸۰)، *نخل‌گردانی: نمایش تمثیلی از جاودانگی حیات شهیدان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی*.

_____، (۱۳۸۵)، «نخل‌گردانی»، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ*

اسلامی، ج ۱۴.

بیهقی، ابوالفضل، (۱۳۸۷)، *تاریخ بیهقی، تهران: هرمس*.

بهار، مهرداد، (۱۳۷۸)، *پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: آگه*.

_____، (۱۳۷۷)، *از اسطوره تا تاریخ، به کوشش ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: چشمه*.

- پرتوی آملی، مهدی. (۱۳۶۳)، *ریشه‌های تاریخی داستان امثال*، ج ۲، تهران: سنایی.
- تسلیم جهرمی، فاطمه. (۱۳۹۹)، «جایگاه نخل در اشعار غنایی عامیانه جهرم»، *مطالعات زبان و ادب غنایی*، ۱۰(۳۵)، صص ۹-۲۲.
- _____ (۱۴۰۰)، «تحلیل جایگاه نخل در کنایات و ضرب‌المثل‌های جهرمی»، *فصلنامه ادبیات محلی*، ۱۱(۳۱)، صص ۱-۲۰.
- چاپچی امیرخیز، محمد؛ سعیدی هرسینی، محمد. (۱۳۸۱)، *نگاهی به تدفین تابوتی در ایران باستان*، تهران: سمیرا.
- حصوری، علی (۱۳۸۴). *سیاوشان*، چ دوم، تهران: چشمه.
- حکمت، علی‌اصغر. (۱۳۳۷) *سرزمین هند؛ بررسی تاریخی و اجتماعی و سیاسی و ادبی هندوستان از اوایل باستان تا عصر حاضر*، تهران: دانشگاه تهران.
- دوستخواه، جلیل. (۱۳۷۵)، *اوستا*، چ سوم، تهران: مروارید.
- زمردی، حمیرا. (۱۳۸۷)، *نمادها و رمزهای گیاهی در شعر فارسی*، تهران: زوار.
- ژبران، ف. و ل، داپورت و گ، لاکوئه. (۱۳۸۲)، *اساطیر آشور و بابل*. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: نشر کاروان.
- ستاری، جلال. (۱۳۷۲)، *مدخلی بر رمزشناسی عرفانی*، تهران: مرکز.
- _____ (۱۳۷۶)، *اسطوره در جهان امروز*، تهران: مرکز.
- _____ (۱۳۹۱)، *فرهنگ و زندگی روزمره*، در گفت‌وگو با ناصر فکوهی، نشر فرهنگ جاوید.
- شافعی، کیوان؛ خالدی، انور؛ قادرزاد، مهدی. (۱۳۹۷)، «بازخوانی آیین سوگ سیاوش و تعزیه امام حسین(ع) بر مبنای تحلیل نگاره‌های مربوط به سوگ سیاوش در آسیای مرکزی و اثری از حسین زنده‌رودی»، *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ۲۰(۴۹)، صص ۷۱-۹۴.
- صدقه، جان. (۱۳۷۸)، «درخت در اساطیر کهن»، ترجمه محمدرضا ترکی، شعر، ۷(۲۶)، صص ۱۴۰-۱۴۵.
- صالحی، بهمن، درخت، نماد جهانی، رساله کارشناسی ارتباط تصویری، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا، ۱۳۷۲.
- غلامرضایی، محمد. (۱۳۹۵)، *تشنه‌فر؛ آیین زندگی در دهه‌های پیشین در خور و بیابانک*، تهران، مرکز دایرةالمعارف اسلامی.
- فرای، نورتوب. (۱۳۷۷)، *تحلیل نقد*، ترجمه صالح حسینی، تهران: نیلوفر.
- فریزر، جورج جیمز. (۱۳۸۶)، *شاخه زرین*، ترجمه کاظم فیروزمند، چ چهارم، تهران: آگاه.
- فشاهی، محمد. (۱۳۸۰) *ارسطوی بغداد؛ از عقل یونانی به وحی قرآنی*، تهران: کاروان.
- قائمی، فرزاد. (۱۳۹۲)، «از ریپه‌وین تا سیاوش؛ تحلیل اسطوره‌شناختی ساختار آیینی داستان سیاوش بر مبنای الگوی هبوط ایزد ریپه‌وین و آیین‌های سالانه مرگ و تولد دوباره در فرهنگ ایران»، *جستارهای نوین ادبی*، ۴۶(۱۸۳)، صص ۶۱-۸۶.
- قربانی جویباری، کلثوم. (۱۳۹۸) «قربانی نخل؛ آیینی بازمانده از آیین‌های دومی»، *فرهنگ و ادبیات عامه*، ش ۲۵، سال ۷، صص ۱۸۰-۲۰۵.
- قزلی جهرمی، ایرج. (۱۳۹۴)، *فرهنگ آداب و رسوم شهرستان جهرم*، چ اول، جهرم: بونیز.
- کریم‌نیا، مینو. (۱۳۸۶)، *نخل در فرهنگ ایرانی*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مبینی، مهتاب؛ شافعی، آزاده. (۱۳۹۴)، «نقش گیاهان اساطیری و مقدس در هنر ساسانی»، *جلوه هنر*، ۲۲(۱۴)، صص ۴۵-۶۵.
- مالمیر، تیمور و حسین‌پناهی، فردین. (۱۳۹۳). «بررسی و تحلیل آیین‌های باروری در شاهنامه فردوسی»، *ادب‌پژوهی*، ۸(۲۷)، صص ۴۱-۶.
- محتشم کاشانی، کمال‌الدین. (۱۳۸۱)، *دیوان محتشم کاشانی*، تصحیح عبدالحسین نوایی و مهدی صدری، تهران: میراث مکتوب.
- مسکوب، شاهرخ. (۱۳۵۴)، *سوگ سیاوش*، تهران: خوارزمی.
- مقرم، عبدالرزاق. (۱۳۸۱)، *مقتل الحسین(ع)*، ترجمه محمدمهدی عزیزالهی کرمانی، قم: نوید اسلام.
- منصوری، مهرزاد. (۱۳۸۶)، «واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به خرما در خاوران فارس»، *گوش‌شناسی*، ۹(۶)، صص ۱۸۴-۱۹۴.
- نیر تبریزی، محمدتقی. (۱۳۵۹)، *دیوان آتشکده حجت‌الاسلام نیر*، چ دوم، تبریز: کتابفروشی هاتف.
- هینلز، جان. (۱۳۸۸)، *شناخت اساطیر ایران*. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: چشمه.

- وسترمارک، ادوارد، (۱۳۹۶)، *بازمانده‌هایی از فرهنگ دوران جاهلی در تمدن اسلامی*، ترجمه علی بلوکباشی، تهران: فرهنگ جاوید.
- Bahar, Mehrdad. (1998), *From myth to history*, By Abolqasem Esmailpour, Tehran: Cheshme (in Persian).
- Bahar, Mehrdad. (1999), *A Research in Iranian Mythology*, Tehran: Agahe. (in Persian)
- Beyhaqi, Abolfazl. (2008), *History of Beyhaqi*, Tehran: Hermes. (in Persian)
- Black, Jeremy. (2004), *Gods, demons, and symbols of ancient Mesopotamia: an illustrated dictionary*, translated by Peyman Matin, Tehran: Amir Kabir.
- Bolokbashi, Ali. (2008), *Nakhel Gardari: an allegorical representation of the immortality of martyrs' lives*, Tehran: Cultural Research Office. (in Persian)
- Bolokbashi, Ali.(2008)" *Nakhel Gardari*", *Big Islamic Encyclopedia*, under the supervision of Kazem Mousavi Bojnordi, Tehran: Big Islamic Encyclopedia Center, vol.14.
- Chaichi Amirkhiz, Mohammad; Saeedi Harsini, Mohammad. (2008), *A Look at Coffin Burials in Ancient Iran*, Tehran: Samira. (in Persian)
- Dostkxah, Jalil. (1996), *Avesta*, 3th, Tehran: Marvarid. (in Persian)
- Eliade, Mircha, (1997), *Patterns in Comparative Religion*, translated by Jalal Sattari, Tehran: Soroush.
- Fashahi, Mohammad. (2001) *Aristotle of Baghdad*; From Greek wisdom to Quranic revelation, Tehran: Karvan. (in Persian)
- Frazer, George James. (2016), *The Golden Branch*, translated by Kazem Firouzmand, fourth edition, Tehran: Aghaz.
- Frye, Northrop. (1998), *Critical analysis*, translated by Saleh Hosseini, Tehran: Nilofar
- Ghazli Jahormi, Iraj. (2014), *Culture of customs and customs of Jahrom city*, first edition, Jahrom: Boniz. (in Persian)
- Gholamrezaei, Mohammad. (2016), *Tashtefar; Ritual of life in previous decades in Khor and Biabank*, Tehran: Islamic Encyclopedia Center. (in Persian)
- Ghorbani Joybari, Kulthum. (2018) "The victim of palm: Remains of Tammuz rituals ", *Culture and Folk Literature*, 7(25), pp. 180-205. (in Persian)
- Hasouri, Ali (2004). *Siavashan*, Ch. II, Tehran: Cheshme. (in Persian)
- Hikmat, Ali Asghar. (1958) *Land of India; A historical, social, political and literary survey of India from the beginning of ancient times to the present day*, Tehran: University of Tehran. (in Persian)
- Hinels, John. (2008), *Persian Mythology*. Translated by Jale Amoozgar and Ahmad Tafzali, Tehran: Cheshme.
- Ibn Abi al-Khair, Shahmardan, Nuzhatnameh Ala'i, (1983) *Nozhat Namei Alaei*, Tehran: Institute of Cultural Studies. (in Persian)
- Ibn Sine, Abu Ali, (2004), *Treatise on the truth and quality of the series of beings*, with an introduction and notes by Musa Omid, Hamedan: Association of Cultural Artifacts and Honors and Bu Ali Sina University, Hamedan. (in Persian)
- Ismailpour, Abulqasem. (2013), *Mythology, Symbolic Expression*, Tehran: Soroush. (in Persian)
- Karimnia, Mino. (2008), *Palm in Iranian Culture*, Tehran: Iran's Cultural Heritage Organization. (in Persian)
- Malmir, Timur; Hossein Panahi, Fardin. (2013). "Fertility Rituals in Ferdowsi's Shāhnāme", *Literary Studies*, 8(27), pp. 6-41.
- Mansouri, Mehrzad. (2008), "Words and terms related to dates in eastern Fars", *Dialectology*, 9(6), pp. 184-194. (in Persian)

- Meskob, Shahrukh. (1975), *Siavash's mourning*, Tehran: Kharazmi. (in Persian)
- Mobini, Mahtab; Shafi, Azadeh. (2014), "The Role of Mythical and Sacred Plants in Sasanian Art", *Jelveh Hanar*, 22(14), pp. 45-65. (in Persian)
- Mogharam, Abdul Razzaq. (2001), *martyrdom of al-Hussein* (pbuh), translated by Mohammad Mahdi Aziz Elahi Kermani, Qom: Navid Islam.
- Mohtsham Kashani, Kamaluddin. (2001), *Diwan Mohtsham Kashani*, edited by Abdul Hossein Navaei and Mehdi Sadri, Tehran: Miras e Maktob. (in Persian)
- Nayir Tabrizi, Mohammad Taqi. (1980), *Diwan Hojjat-ul-Islam Nayir Tabrizi*, 2th edition., Tabriz: Hatef Bookstore. (in Persian)
- Partovi Amoli, Mahdi. (1984), *Historical roots of the story of similes*, vol. 2, Tehran: Sanai.
- Qaemi, Farzad. (2013), " From Rapihwin to Syavash: A Mythological Analysis of Syavash Story", *New Literary Studies*, 46(183), pp. 61 -86. (in Persian)
- Sadaqa, Jan. (1999), "The Tree in Ancient Mythology", translated by Mohammad Reza Turki, *Poetry*, 7(26), pp. 140-145.
- Salehi, Bahman,(1993) The tree, a global symbol, visual communication bachelor's thesis, *University of Tehran: Faculty of Fine Arts.* (in Persian)
- Satari, Jalal(2019) ,*Culture and Daily life*, in a conversation with Nasser Fakuhi, Tehran: Farhang Javid publishing house. (in Persian)
- Satari, Jalal .(1997), *Myth in the World Today*, Tehran: Markaz. (in Persian)
- Satari, Jalal. (1993), *An entry on mystical cryptology*, Tehran: Markaz. (in Persian)
- Shafi, Keyvan; Khalandi, Anvar; Kaderenjad, Mehdi.(2017), "Reviewing the Rituals of Siavash's Mourning and Imam Hossein's Ta'zieh (Based on the analysis of the images of Siavash's mourning in Central Asia and a painting of »Hossein Zendehtroodi", *Persian Language and Literature Research*, 20(49), pp. 71- 94. (in Persian)
- Taslim Jahormi, Fatemeh. (2019), "The place of the palm tree in Jahrom's folk lyrical poems", *Studies in Lyrical Language and Literature*,10(35), pp. 22-9
- Taslim Jahormi, Fatemeh. (2021), "Analysis of the place of the palm tree in Jahormi proverbs and allusions", *Local Literature*, 11(31), pp. 1-20. (in Persian)
- Westermark, Edward, (2016), *Pagan survivals in Modern civilization*, translated by Ali Blokbashi, Tehran: Farhang Javid.
- Zamordi, Hamira. (2007), *symbols and mysteris of plants in Persian poetry*, Tehran: Zovar. (in Persian)
- Zhiran, F. and L. Dalport and G. Lacue. (1382), *Mythology of Assyria and Babylon*. Translated by Abolqasem Esmailpour, Tehran: Karvan .